

بقعه شیخ طرشتی | خانواده خوب-۴

پناهیان: بعضی‌ها خانه را با مُبل راحتی اشتباه می‌گیرند! کسانی که به فرزندآوری توجه ندارند اصلاً معنای خانواده را متوجه نشده‌اند/ خانمی که در مقابل شوهرش تواضع می‌کند در واقع امکان لذت بردن خودش را از زندگی‌اش افزایش داده/ در خانه‌ای که مادر محبوب باشد و پدر مطاع، بچه تعادل خواهد داشت/ با خانواده‌هایی وصلت کنید که از تعادل روحی برخوردارند

پناهیان: بعضی‌ها خانه را با مُبل راحتی اشتباه می‌گیرند! در حالی که نگاه آنها به خانواده باید مانند نگاه به یک ورزشگاه یا برنامه ورزشی باشد که می‌خواهد آنها را وادار به حرکت و تمرین کند و باعث رشد و تعالی آنها شود. در خانواده، زن و مرد با تفاوت‌های بسیار زیاد و آشکار در کنار همدیگر قرار می‌گیرند که این تفاوت‌ها هم موجب شیرینی‌هایی می‌شود و هم موجب تلخی‌هایی می‌شود. اگر شما این مسأله را پیش‌بینی نکرده باشید، نه ظرفیت برخورداری از شیرینی‌هایش را خواهید داشت و نه ظرفیت تحمل و برخورد مناسب با تلخی‌هایش را خواهید داشت. اصلاً خدا این دو جنس مخالف و متفاوت از خیلی جهات را در خانواده کنار هم قرار داده تا تعارض‌ها و تناسب‌های این دو در کنار همدیگر دیده شود و ببیند این دو علی‌رغم همه اختلاف‌هایی که دارند، در طول زندگی مشترک چه عکس‌العمل‌هایی در قبال هم انجام می‌دهند. در واقع این دو (زن و شوهر) با همه اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که با هم دارند باید همدیگر را کامل کنند و به تکامل برسند.

بخش‌هایی از چهارمین روز سخنرانی حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان در بقعه شیخ طرشتی با موضوع «خانواده خوب» را در ادامه می‌خوانید:

یکی از دلایل تأخیر در ازدواج، تلقی‌های ناصحیحی است که از ازدواج در ذهن مردم شکل گرفته/ انتقاد از تکه کلام «فلانی خودش را بیچاره کرد و رفت زن گرفت!»

• در اولین قدم برای رسیدن به یک خانواده خوب باید نگاه و تلقی خود را نسبت به «خانواده» اصلاح کنیم. ابتدا باید ببینیم نگرش و تلقی ما نسبت به خانواده چیست؟ آیا تلقی ما نسبت به خانواده این‌گونه است که خانواده را یک مفهوم با عظمت و باشکوه ببینیم؟ آیا خانواده را محل خودسازی و مجموعه‌ای شبیه پادگان یا ورزشگاه البته توأم با لطافت و مهربانی می‌بینیم یا آن را محل ول بودن و راحتی مطلق تلقی می‌کنیم؟ آیا خانواده را شبیه مسافرخانه می‌بینیم که فقط محل استراحت و غذا خوردن است یا آن را جایگاهی برای ایفای نقش و مسئولیتی مهم می‌دانیم؟

• **متأسفانه بعضی‌ها تلقی منفی و نادرستی نسبت به خانواده دارند. مثلاً می‌گویند: «فلانی خودش را بیچاره کرد و رفت زن گرفت!» یا می‌گویند: «می‌دانید یک خانم باهوش چه شوهری را انتخاب می‌کند؟ یک خانم باهوش اصلاً هیچ‌وقت ازدواج نمی‌کند!» این حرف‌ها به لحاظ روانی اثر بدی روی جوانان خواهد داشت و به مرور تلقی آنها را نسبت به ازدواج خراب می‌کند. یکی از دلایل تأخیر در ازدواج همین تلقی‌های ناصحیحی است که از ازدواج در ذهن مردم شکل گرفته است. نشانه این تلقی‌های غلط همین تکه کلام‌هایی است که درباره ازدواج درست کرده‌اند، یا اینکه بعضی‌ها سختی‌های تشکیل خانواده را به صورت مبالغه‌آمیز بیان می‌کنند، یا درباره آن منفی‌بافی می‌کنند و متأسفانه کمتر کسی را دیده‌ایم که از بابت زیبایی‌ها و خوبی‌های خانواده شکر کند.**

• تلقی ما از تشکیل خانواده خیلی مهم است. تلقی ما نسبت به خانواده، بر اینکه چگونه همسری انتخاب کنیم یا برای ازدواج فرزندمان سراغ چه خانواده‌ای برویم، تأثیر دارد. اینکه بعضی خانواده‌ها در انتخاب داماد، نسبت به مال و اموال یا سطح اجتماعی یا سطح سواد او خیلی سخت‌گیری می‌کنند به خاطر این است که تلقی آنها نسبت به تشکیل خانواده، درست نیست و شاید خانواده را وسیله‌ای برای قیافه‌گرفتن و فخرفروشی می‌دانند. بعضی از دختر خانم‌ها صریحاً می‌گویند: «این آقا پسر زیاد به من نمی‌آید! اگر ما با هم در خیابان راه برویم، مردم می‌گویند این دوتا به هم نمی‌آیند!» این قبیل افراد در ظرف «مردم می‌گویند» زندگی می‌کنند و تلقی‌شان از خانواده به این بستگی دارد که مردم چه چیزی درباره‌اش بگویند.

خیلی از آقایان طبیعت زن را نمی‌شناسند/ مرد در قبال سخن تلخ همسرش باید سکوت کند

• خیلی از آقایان که ازدواج می‌کنند اصلاً جنس زن را نمی‌شناسند و تلقی درستی ندارند. مثلاً نمی‌دانند که طبیعت خانم‌ها-نه خانم‌های خودساخته- این‌طور است که وقتی زبان به گله و شکایت باز می‌کند به طور مطلق انتقاد و ناشکری می‌کنند و وقتی از دست شوهرشان ناراحت می‌شوند، ممکن است به او بگویند: «من اصلاً هیچ خبری از تو ندیدم!» (لَا إِلَهَ إِذًا غَضِبْتُ عَلَيَّ زَوْجَهَا سَاعَةً تَقُولُ مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ؛ مستدرک الوسائل ۱۴/۳۴۴ و لَا يَشْكُرُنَ الْكَيْبَرُ إِذًا مِغْنُ الْقَلِيلِ؛ من لا يحضره الفقيه ۲/۵۵۴) وقتی یک زن این را بگوید باعث می‌شود که شوهرش تصور کند او از شوهرش متنفر است در حالی که واقعاً این‌طور نیست و شوهر باید در چنین مواردی سکوت کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خانم‌ها در گفتگو با شما چندان خوب حرف نمی‌زنند (گاهی زبان‌شان تلخ و تند یا نارسا است) و شما مردان این مسأله را با سکوت خودتان پوشش دهید؛ إِنَّمَا النَّسَاءُ عِيٌّ ... و اسْتُرُوا أَلْعِيَّ بِالسُّكُوتِ» (کافی ۵/۵۳۵ و من لا يحضره الفقيه ۳/۳۹۰)

• **در خانواده، زن و مرد با تفاوت‌های بسیار زیاد و آشکار در کنار همدیگر قرار می‌گیرند که این تفاوت‌ها هم موجب شیرینی‌هایی می‌شود و هم موجب تلخی‌هایی می‌شود. اگر شما این مسأله را پیش‌بینی نکرده باشید، نه ظرفیت برخورداری از شیرینی‌هایش را خواهید داشت و نه ظرفیت تحمل و برخورد مناسب با تلخی‌هایش را خواهید داشت. اصلاً خدا این دو جنس مخالف و متفاوت از خیلی جهات را در خانواده کنار هم قرار داده تا تعارض‌ها و تناسب‌های این دو در کنار همدیگر دیده شود و ببیند این دو علی‌رغم همه اختلاف‌هایی که دارند، در طول زندگی مشترک چه عکس‌العمل‌هایی در قبال هم انجام می‌دهند. در واقع این دو (زن و شوهر) با همه اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که با هم دارند باید همدیگر را کامل کنند و به تکامل برسند.**

هر همسری که انتخاب کردی باید بگویی: «این را خدا برای من خواسته»/ پیامبر (ص): اگر من هم برای

دعا کنم باز همان همسری که خدا مقدر کرده نصیبت خواهد شد

• شما در امر انتخاب همسران دقت کنید اما بدانید که خودتان زیاد تعیین‌کننده نیستید، لذا هر انتخابی که صورت گرفت علی‌القاعده باید بگویید: «این را خدا برای من خواسته است» و هر تلخی و هر مشکلی که بعداً در زندگی داشتید، تحمل کنید و بگویید: حتماً این تلخی و مشکل برای من سازنده است و الا خدا سر راهم قرارش نمی‌داد. (مگر اینکه برخی موارد نادر پیش بیاید، که شرحش خارج از این بحث است.) لذا شما در انتخاب همسر به وظیفه خود عمل کنید، و وقتی به وظیفه خود عمل کردید هر چیزی که برای شما پیش آمد، خواست خدا بدانید. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «اگر من پیامبر همراه با حضرت جبرائیل، میکائیل و فرشتگان حامل

عرش برای اینکه یک همسر خوب نصیبت شود دعا کنیم، جز آن همسری که خدا برایت در نظر گرفته، نصیبت نخواهد شد؛ لو دعا لک اسرائیل و جبریل و میکائیل و حَمَلَةُ الْعَرَسِ و اَنَا فِیْهِمْ مَا تَزَوَّجْتَ اِلَّا الْمَرْأَةَ الَّتِیْ کُتِبَتْ لَکَ» (میزان الحکمه/ح/۱۶۵۰۰)

• بعضی ها که در انتخاب همسر خیلی سختگیرانه برخورد می کنند، می گویند: «من می خواهم کفو خودم را پیدا کنم!» البته اصل قضیه «کفو بودن» زن و شوهر درست است ولی مهم این است که تحلیل شما از آن چگونه باشد. در واقع بهترین همسر برای شما همسری است که شما با زندگی کردن در کنار او بتوانید عیوب خود را برطرف کرده و رشد کنید و به پروردگار عالم تقرب پیدا کنید.

بسیاری از طلاق ها ناشی از تلقی اشتباه نسبت به ازدواج است / کسانی که به فرزندآوری توجه ندارند اصلاً معنای خانواده را متوجه نشده اند

• ممکن است بعضی از ازدواج ها به دلیل اینکه زن و شوهر واقعاً نتوانسته اند تاب بیاورند و تحمل کنند، به طلاق کشیده شود ولی بسیاری از طلاق ها به خاطر ناشی گری و بی توجهی آدم ها نسبت به مقدرات عالم است و ناشی از این است که اساساً تلقی آنها نسبت به ازدواج اشتباه بوده است. بعضی ها خانه را با مُبل راحتی اشتباه می گیرند! در حالی که نگاه آنها به خانواده باید مانند نگاه به یک ورزشگاه یا برنامه ورزشی باشد که می خواهد آنها را وادار به حرکت و تمرین کند و باعث رشد و تعالی آنها شود.

• تلقی ما نسبت به همسری چیست؟ یکی از نکاتی که در همسری وجود دارد، لذاذ جنسی است. در کنارش لذاذ عاطفی نیز هست، تعاون در زندگی نیز هست (یعنی اینکه هر یک از زن و مرد بخشی از کارها را به عهده بگیرند). یکی دیگر از قسمت های بسیار مهم «فرزندآوری» است که شاید مهمترین بخش زندگی باشد که خیلی ها کمترین توجه را به آن دارند. خیلی ها درباره فرزندآوری خودشان را کنترل می کنند یا محدودیت قایل می شوند، اینها اصلاً متوجه نشده اند خانواده یعنی چه؟ تلقی آنها از خانواده و زندگی مشترک تلقی درستی نیست. مثل کسی که به او یک ماشین داده اند و او سوار می شود و به جای اینکه حرکت کند، فقط بوق می زند و پیاده می شود!

• تلقی غربی ها از خانواده طوری بوده که فرزندآوری در درجه اول قرار نداشته، تعامل و تحمل و تکامل به واسطه تضارب بین زن و مرد برایشان اهمیت نداشته و لذا بعد از مدتی به این نتیجه رسیدند که اصلاً من چرا باید به طور مداوم با یک جنس مخالف زندگی کنم؟! به جای تشکیل خانواده می توانم لذت جنسی خود را از راه دیگری تأمین کنم، و اگر هم خواستم زندگی کنم، با یک سگ و گربه زندگی می کنم! جالب است که طبق برخی آمارها، در این جوامع تعداد کسانی که با سگ و گربه زندگی می کنند از تعداد کسانی که با همسر خود زندگی می کنند بیشتر است! چون آنها از بس خودخواه و راحت طلب هستند نمی توانند یک انسان دیگر را در کنار خود تحمل کنند لذا می گویند: «من یک سگ را خیلی راحت تر از یک همسر می توانم در کنار خودم تحمل کنم!» چون نمی خواهند یک انسان دیگر در کنارشان باشد که احياناً گاهی با او اختلاف پیدا کنند و اذیت شوند و این باعث شوند که رشد و تکامل پیدا کنند.

پدر و مادر باید نسبت به برخی خطاهای فرزندان خود «تغافل» کنند/ پدر نباید یواشکی و بی صدا وارد خانه شود تا مچ گیری کند

• خانواده حرمت خاصی دارد که زن و مرد باید آن را رعایت کنند. مثلاً امام صادق (ع) می فرماید: «مرد وقتی وارد خانه شد به اهل خانواده اش سلام کند (منتظر نباشد که به او سلام کنند هرچند آنها وظیفه دارند به پدر خانه سلام کنند) و وقتی که می خواهد وارد خانه شود، کفش خود را به زمین بزند و هنگام ورود با صدای کفش و با سرفه کردن، خانواده اش را از آمدن خود با خبر کند برای اینکه اهل خانه بفهمند او دارد می آید و اگر احياناً رفتاری دارند که دوست ندارند پدر خانواده ببیند، خودشان را جمع کنند (يُسَلِّمُ الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ عَلَىٰ أَهْلِهِ وَ إِذَا دَخَلَ يَضْرِبُ بِنَعْلَيْهِ وَ يَتَنَحَّجُ وَ يَسْتَحْجُ ذَلِكَ حَتَّىٰ يُؤَدِّبَهُمْ أَنَّهُ قَدْ جَاءَ حَتَّىٰ لَا يَرَىٰ شَيْئًا يَكْرَهُهُ؛ جامع الاخبار/ص/۸۹) نه اینکه خانم ها یا بچه ها بخواهند چیزی را از پدر خانواده مخفی کنند که این در جای خودش قابل بحث است ولی مرد برای خودش و برای خانواده اش باید این طور حرمت حفظ کند. پدر نباید یواشکی و بی صدا وارد خانه شود تا مچ گیری کند! راه تربیت کردن یا کنترل کردن خانواده این نیست! مرد آن قدر باید آقا و بزرگوار باشد که همه از بزرگواری او خجالت بکشند و رفتار خود را درست کنند. حتی گفته شده است که پدر و مادر نسبت به برخی از خطاهای فرزندان خود، «تغافل» کنند و اگر هم آن خطا را دیدند، این طور وانمود کنند که اصلاً ندیده اند. درست است که این «تغافل» جلوی خطای بچه را نمی گیرد اما در عوض حیا و نجابت او را افزایش می دهد و بعداً این حیا و نجابت، به تدریج جلوی خطا را خواهد گرفت.

• تلقی یک مرد درباره خدمت کردن به خانواده اش باید چگونه باشد؟ مثلاً پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «کسی که وارد بازار شود و یک چیزی بخرد و آن را برای خانواده خودش حمل کند، مانند کسی است که برای یک گروه نیازمند صدقه ای را حمل می کند که اگر آن صدقه را به آنها نرساند از گرسنگی هلاک می شوند؛ مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَىٰ ثُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَىٰ عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَىٰ قَوْمٍ مَحْجُوبٍ» (امالی شیخ صدوق/ص/۵۷۷) نه اینکه حضرت بخواهد - نمود بالله- اهل خانه را به گرسنگان تشبیه کند؛ بلکه می خواهد بفرماید که مرد با این کار چقدر ثواب می برد.

• رسول خدا (ص) در ادامه می فرماید: «مرد وقتی چیزی برای خانواده اش آورد و خواست بین بچه هایش توزیع کند، اول به دخترانش بدهد و بعد به پسرانش بدهد؛ وَ نُيِّدُ بِالْأَبْنَاتِ قَبْلَ الذُّكُورِ» (همان) و بعد می فرماید: «هر کس دختر خودش را خوشحال کند مانند کسی است که بنده یا اسیری از فرزندان حضرت اسماعیل (ع) را در راه خدا آزاد کرده است و کسی که پسرش را خوشحال کند، مانند کسی است که از خشیت خدا گریه کرده است و کسی که از خوف خدا گریه کند خدا او را وارد بهشت خودش خواهد کرد؛ فَإِنَّ مَنْ فَرَحَ ابْنَةً فَكَأَنَّمَا أَغْنَىٰ رَقِيبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ مُؤْمِنَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ أَقْرَبَ بَعِيْنِ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَىٰ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ بَكَىٰ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَدْخَلَهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ» (همان)

مرد مسئول آموزش دینداری به همسرش است/ خانمی که در مقابل شوهرش تواضع می کند در واقع امکان لذت بردن خودش را از زندگی اش افزایش داده

• امام صادق (ع) می فرماید: «کسی که برای خانواده اش زحمت می کشد تا از راه حلال پول در بیاورد، مانند مجاهد در راه خداست؛ الْكَأَدُ عَلَىٰ عِيَالِهِ مِنْ خَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (من لایحضره الفقیه/۳/۱۶۸)

• پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «مرد باید برای همسر خودش غذا و لباس تهیه کند، و به او نماز و روزه و زکات یاد بدهد (یعنی دین را به او یاد بدهد) و خانم هم نباید در این امر با شوهر خودش مخالفت کند؛ لِلْمَرْأَةِ عَلَىٰ زَوْجِهَا أَنْ يُشَبِّعَ بَطْنَهَا وَ يَكْسُوَ ظَهْرَهَا وَ يُعَلِّمَهَا

الصَّلَاةَ وَالصَّوْمَ وَالزَّكَاةَ إِنْ كَانَ فِي مَالِهَا حَقٌّ؛ وَ لَا تُخَالِفُهُ فِي ذَلِكَ» (مستدرک الوسایل/ ۱۴/ ۲۴۳) این یعنی مرد مسئول آموزش دینداری به همسرش است.

- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اگر مردی به صورت همسرش سیلی بزند، خداوند به مأمور جهنم دستور می‌دهد تا در آتش جهنم هفتاد سیلی بر صورت او بزند...؛ فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَكَاً خَازِنَ النَّارِ أَنْ يَقْلِبَهُ عَلَى خُرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ أَيْ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَصَعَ يَدَهُ عَلَى شَعْرِ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ سُمِرَ كَفَّهُ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارِ الْخَبَرِ» (مستدرک الوسایل/ ۱۴/ ۲۵۰) از سوی دیگر پیامبر اکرم (ص) درباره رفتار خانم با شوهرش، فرمود: «وای بر زنی که شوهرش نسبت به او ناراضی و غضبناک باشد و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد؛ وَئِلَّامْرَأَةٍ أُغْضِبْتُ زَوْجَهَا وَ طَوَّبَتْ لِامْرَأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا» (عیون اخبار الرضا/ ۱/ ۲) و در جای دیگری فرمود: «زنی که شوهرش را اذیت کند، خدا نماز و کارهای خویش را نمی‌پذیرد تا اینکه به مرد کمک کرده و او را راضی کند، اگر چه این زن تمام عمر را روزه بگیرد و نماز بخواند و بندگان را آزاد و دارایی‌اش را در راه خدا انفاق کند؛ مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ يُؤَدِّيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تَرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَ قَامَتِ وَ اتَّقَتِ الرِّقَابَ وَ اتَّقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرَدُّ النَّارُ» (وسائل الشیعه/ ۲۰/ ۱۶۳)
- اگر یک خانم کاری کند که شوهرش از او ناراضی و ناراحت شود، نباید به راحتی از کنار این موضوع رد شود و مثلاً کسب رضایت شوهر را به فردا واگذار کند، بلکه باید در کنار شوهرش بنشیند و دستش را در دست بگیرد و بگوید: من نمی‌خواهم تا از من راضی بشوی! (امام صادق (ع): خَيْرٌ نِسَائِكُمْ أَلَّتِي إِنْ غَضِبْتَ أَوْ أُغْضِبْتَ قَالَتْ لِرَوْحِهَا يَدِي فِي يَدِكَ لَا أَكْتَحِلُ بِغَمُضٍ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي؛ مِنْ لَا يَحْضِرُهُ الْفَقِيهَ ۳/ ۳۸۱) البته ممکن است گاهی شوهرش او را دیر ببخشد، و مثلاً مرد بخواهد غرور خودش را در اینجا ارضا کند، ولی زن باید صبر کند چون این غرور به درد این خانم هم می‌خورد، اگر غرور مرد شکسته شود، بعد از مدتی، زن از این مردی که غرورش شکسته شده، زیاد خوشش نمی‌آید. خانمی که در مقابل شوهرش تواضع می‌کند در واقع امکان لذت بردن خودش را از زندگی‌اش افزایش داده است.

بی‌احترامی خانم به شوهرش موجب بد بار آمدن بچه‌ها می‌شود/ وقتی پدر در خانه حرمت نداشته باشد دختر معمولاً زیاد اهل حجاب نخواهد شد

- خانمی که در خانه به شوهر خودش بی‌احترامی می‌کند (مخصوصاً در حضور بچه‌ها) در واقع دارد ستون خانه را از بین می‌برد و باعث می‌شود بچه‌ها خوب تربیت نشوند چون حرمت پدر در این خانه شکسته شده است و محبت او نسبت به فرزندان (به خصوص دخترانش) بی‌اثر خواهد شد و آنها را لبریز و سرشار از محبت نخواهد کرد.
- **یک خانمی می‌گفت: «من بچه‌های مدرسه را متقاعد کرده‌ام محببه شوند ولی دختر خودم حجاب درستی ندارد!» بعد از کمی صحبت معلوم شد که این خانم در حضور دخترش به پدر خانه بی‌احترامی می‌کند. علی‌القاعده وقتی پدر در خانه حرمت نداشته باشد، دختر معمولاً زیاد اهل حجاب نخواهد بود. پدری که در خانه حرمتش از سوی خانم خانه، رعایت شود با اشاره خودش می‌تواند رفتار دختر خود را تنظیم کند، و چنین پدری وقتی به دخترش محبت کند، دخترش سرشار از محبت خواهد شد و این پدر وقتی از دخترش بخواهد حجاب خوبی داشته باشد، این دختر به خاطر محبتی که نسبت به پدر دارد و احترامی که برای او قایل است، خود به خود بهترین حجاب را انتخاب خواهد کرد. اما اگر خانم خانه، شوهر خودش را در خانه و**

در حضور بچه‌ها، بی‌حرمت کند دیگر این پدر اگر بر سر دخترش فریاد هم بزند یا حتی التماس هم بکند، سخنش اثری بر روی دخترش نخواهد داشت.

در خانه‌ای که مادر محبوب باشد و پدر مطاع، بچه تعادل خواهد داشت

- حرمت پدر باید در خانه حفظ بشود. خانم نباید بگوید: «حالا من عصبانی شدم و یک فریاد سر شوهرم کشیدم! مگر چه شده است؟!» خانه محل مبارزه با هوای نفس است؛ شما با این بی‌حرمتی به پدر، ستون خانه را خراب می‌کنید و باعث می‌شوید بچه‌ها خوب بار نیابند. متأسفانه بعضی از خانم‌ها فکر می‌کنند با فریاد زدن و با لحن تند صحبت کردن، همه چیز درست می‌شود! البته ممکن است وقتی فریاد می‌زند شوهرش (به هر دلیلی) با او مخالفت نکند و قبول کند و به این ترتیب آرامش در خانه برقرار شود ولی این باعث نمی‌شود که تعادل روحی در بچه‌ها برقرار شود.
- بچه‌ها وقتی در خانه تعادل روحی پیدا می‌کنند که ببینند «پدر "ستون" خانه است و مادر "زیبایی" خانه است» به تعبیر دیگر؛ بابا رئیس حقوقی خانه است و مادر رئیس عاطفی خانه است. لذا مادر باید به بچه‌ها بگوید: «مبادا غرور پدرتان را بشکنید!» و خودش هم غرور شوهرش را نشکند. و پدر هم باید به بچه‌ها بگوید: «مبادا دل مادرتان را بشکنید» و خودش هم دل همسرش را نشکند. در این خانواده هرچه مادر دوست داشته باشد و هر چه پدر فرمان بدهد، بچه‌ها طبق آن عمل خواهند کرد و به این ترتیب تعادل در خانه برقرار خواهد شد.
- در خانه‌ای که مادر محبوب است و پدر مطاع است، بچه تعادل دارد. این اصل است و سایر مسائل مانند وجود وسایل و امکانات رفاهی زندگی فرع هستند. **هر چیزی باید سر جای خودش باشد؛ پدر در خانه فرمانده است و مادر ملکه است و نمی‌شود جای این دو را عوض کرد یعنی نمی‌شود مادر فرمانده و مطاع باشد و پدر محبوب و معشوق خانه باشد در این صورت بچه‌ها عدم تعادل خواهند داشت** و اگر هم رفتار خوبی داشته باشند از سر بی‌عرضگی خواهد بود. چون بعضی‌ها از روی بی‌عرضگی آدم‌های خوبی هستند؛ بالاخره هر کاری-هرچند بد- نیاز به عرضه خاص خودش را دارد.

با خانواده‌هایی وصلت کنید که از تعادل روحی برخوردارند/ کلیدی‌ترین عوامل تعادل روحی: محبت پدر به مادر، احترام مادر به پدر

- با خانواده‌هایی وصلت کنید که از تعادل روحی و روانی برخوردار هستند. البته تعادل روانی به فاکتورهای زیادی ربط پیدا می‌کند ولی دو تا از کلیدی‌ترین عوامل تعادل روحی بچه‌ها همین است: اینکه آیا پدر جلوی بچه‌ها به مادر محبت می‌کند و به او رحم می‌کند؟! آیا مادر جلوی بچه‌ها از پدر اطاعت می‌کند و به او احترام می‌گذارد؟! این است که تعادل را در خانه برقرار خواهد کرد. دختر چنین خانواده‌ای شوهردار و مادر خوبی خواهد شد و رعایت حجاب برایش راحت خواهد بود. و پسر این خانه هم زن‌داری بلد است چون پدرش به مادرش محبت کرده است.
- جالب است که در روایات ما نسبت به محبت کردن پدر به دخترش خیلی تأکید شده است. (مَنْ كَانَ لَهُ أَنْثَى فَلَمْ يُبْدِهَا وَ لَمْ يُهْنِهَا وَ لَمْ يُؤْتِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا أَذْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ؛ مستدرک الوسایل/ ۱۵/ ص ۱۱۸) و (مَنْ ابْتَلَى بِشَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ؛ همان) امام صادق (ع) می‌فرماید: «دختر حسنه است و پسر نعمت است، برای حسنه اجر و پاداش می‌دهند ولی از بابت نعمت، حسابرسی می‌کنند؛ الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ الْبُتُونُ بَعْمَةٌ فَالْحَسَنَاتُ يُثَابُ عَلَيْهَا وَ النِّعْمَةُ يُسْأَلُ عَلَيْهَا» (من لایحضره الفقیه/ ۳/ ۴۸۱) اصلاً طبق

روایات دختردار بودن امر خیلی عجیبی است. رسول خدا(ص) فرمود: «اگر کسی سه دختر بزرگ کند، بهشت بر او واجب می‌شود. شخصی از حضرت پرسید: دو دختر چطور؟ حضرت فرمود: آن نیز همین‌طور. پرسیدند: یک دختر چطور؟ فرمود: آن نیز همین‌طور؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فُقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص وَ اثْنَتَيْنِ فَقَالَ وَ اثْنَتَيْنِ فُقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ وَاحِدَةً فَقَالَ وَ وَاحِدَةً» (کافی / ج ۶/ص ۶)

- شما تصور کنید چقدر زیبا و باشکوه است که یک پدر، به دخترش محبت می‌کند و این دختر را مثل دسته گل تربیت می‌کند و بعد این دختر ازدواج می‌کند و به تعبیری در خدمت یک خانواده دیگر قرار می‌گیرد. ببینید این رفتار چقدر لطیف است. شاید اولین انتظار یک پدر از دامادش این باشد که به دخترش رحم کند و نسبت به او مهربان باشد. خُب آقای داماد باید این رفتار را در خانه از پدر خودش یاد گرفته باشد؛ یعنی از محبت کردن و مهربانی پدر به مادر خانه یاد گرفته باشد.
- البته بعضی‌ها هستند که هرچه به آنها محبت شود، قدر این محبت‌ها را نمی‌دانند. می‌دانید که امیرالمؤمنین(ع) چقدر به بچه‌های یتیم کوفه محبت می‌کرد و به آنها غذا می‌داد. اما این مردم بعد از عاشورا چطور محبت‌های علی(ع) را جبران کردند؟! وقتی کاروان اسرای کربلا را تا نزدیکی‌های کوفه آوردند قبل از ورود به شهر توقف کردند و شروع کردند به غذا پختن. بوی غذای گرم به بچه‌های امام حسین(ع) می‌رسید ولی به این بچه‌ها که دو روز غذا نخورده بودند، یک لقمه غذا هم ندادند. آن نامردها می‌خواستند این بچه‌ها که نوه‌های علی(ع) بودند از گرسنگی به خودشان بیچند تا وقتی وارد کوفه شدند دست دراز کنند و از مردم غذا بخواهند....

